



نرخ ارز و قرض الحسنه به خارجی‌ها

تیمور رحمانی دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

اما آنچه تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است، نقش تثبیت نرخ ارز و پایین نگه داشتن تصنیعی نرخ ارز در خروج سرمایه و به عبارتی واگذاری پس‌انداز به خارجی‌ها و به‌طور مشخص ایالات متحده آمریکا است. هنگامی که عوامل بنیانی و به‌ویژه تورم سبب فشار برای افزایش نرخ ارز می‌شوند و بانک مرکزی با مداخله در بازار ارز اقدام به تثبیت نرخ ارز می‌کند، عاملان اقتصادی و به‌طور مشخص کسانی که در بازار ارز فعال و دارای منابع مالی هستند، می‌دانند که پایین نگه داشتن نرخ ارز تداوم نخواهد داشت (به‌ویژه در شرایطی که کشور از درآمدهای بالای ارزی بهره‌مند نباشد).

اقتصاد ایران)، عوامل بنیانی افزایش نرخ ارز در آن کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند و بهتر است اجازه داده شود تا نرخ ارز به تدریج افزایش یابد یا ارزش پول داخلی تضعیف شود. مهم‌ترین استدلال برای پرهیز از پایین نگه داشتن تصنیعی نرخ ارز آن است که سبب ارزان شدن نسبی کالاهای خارجی نسبت به داخلی و در نتیجه افزایش واردات و کاهش صادرات می‌شود. همچنین، این موضوع سبب از دست رفتن درآمدهای ارزی به دلیل تلاش برای تثبیت نرخ ارز می‌شود؛ در شرایطی که کشور برای انباشت سرمایه و دستیابی به رشد اقتصادی به شدت نیازمند منابع مالی است.

در مورد سیاست ارزی، مزایا و معایب واگذار کردن تعیین نرخ ارز به بازار یا بانک مرکزی و تثبیت آن فراوان گفته شده است. اغلب اقتصاددانان جریان اصلی علم اقتصاد معتقدند نرخ ارز یک قیمت است و مانند هر قیمت دیگری باید تعیین آن با عوامل بنیانی شکل‌دهنده عرضه و تقاضای آن سازگار باشد، گرچه باثبات بودن نرخ ارز و پرهیز از نوسانات شدید آن نیز با همین منطق از ایده‌آل‌های علم اقتصاد است.

بنابراین در کشوری که متوسط رشد بهره‌وری آن از طرف‌های تجاری‌اش کمتر است و نرخ تورم آن از متوسط نرخ تورم طرف‌های تجاری‌اش بیشتر است (واقعیت

در کشوری که متوسط رشد بهره‌وری آن از طرف‌های تجاری‌اش کمتر است و نرخ تورم آن از متوسط نرخ تورم طرف‌های تجاری‌اش بیشتر است (واقعیت اقتصاد ایران)، عوامل بنیانی افزایش نرخ ارز در آن کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند و بهتر است اجازه داده شود تا نرخ ارز به تدریج افزایش یابد یا ارزش پول داخلی تضعیف شود. مهم‌ترین استدلال برای پرهیز از پایین نگه داشتن تصنیعی نرخ ارز آن است که سبب ارزان شدن نسبی کالاهای خارجی نسبت به داخلی و در نتیجه افزایش واردات و کاهش صادرات می‌شود. همچنین، این موضوع سبب از دست رفتن درآمدهای ارزی به دلیل تلاش برای تثبیت نرخ ارز می‌شود؛ در شرایطی که کشور برای انباشت سرمایه و دستیابی به رشد اقتصادی به شدت نیازمند منابع مالی است

در چند روز گذشته می‌رفت و التهاب در بازار ارز شکل گرفته بود، اقدامی منطقی بود که با مداخله در بازار ارز هم مانع وارد شدن نوسان شدید در آن شد و هم حس اعتماد به افراد جامعه را ایجاد کرد. آنچه بیشتر مورد تاکید است آن است که اگر عوامل بنیادی دلالت بر آن دارند که نرخ ارز باید افزایش یابد و بانک مرکزی سعی کند نرخ ارز را به طور تصنعی تثبیت کند این موضوع سبب شکل‌گیری صف برای اعطای وام قرض‌الحسنه به آمریکا می‌شود که بعید می‌دانم در شرایطی که خانوارهایی برای مبالغ ناچیز مجبور به پرداخت نرخ سودهای سرسام‌آور می‌شوند اعطای این قرض‌الحسنه چندان مطلوب باشد. همچنین، لازم است اشاره شود که در حالت معمول چون دلار وسیله مبادله بین‌المللی است نگهداری مقداری دلار توسط بانک‌ها و بانک مرکزی اجتناب‌ناپذیر است. آنچه نوشتار بالا بر آن تاکید دارد نگهداری دلار برای مقاصد سوداگری است که در برخی برهه‌ها به دلیل سیاست ارزی و تلاش برای تثبیت نرخ ارز، مبالغ چشمگیری بوده است.

ایالات متحده آمریکا) بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد، این مصداق اعطای نوعی وام قرض‌الحسنه از طرف مردم ایران به دولت ایالات متحده است. البته این به آن معنی نیست که دارندگان دلار بازدهی و سود کسب نمی‌کنند بلکه بدان معنی است که از منظر اقتصاد ملی اگر دارندگان دلار به دلیل افزایش قیمت آن سود کسب کنند بخش دیگری از افراد جامعه معادل آن متضرر شده‌اند؛ بنابراین کل اقتصاد کشور از بابت نگهداری این دلار هیچ عایدی نداشته است. لذا، هرگاه چشم‌انداز عدم امکان پایین نگه داشتن نرخ ارز وجود داشته باشد (که در ایران به کرات در طول چهار دهه اخیر رخ داده است) صف و هجومی اختیاری از سوی دارندگان پس‌انداز و منابع مالی شکل می‌گیرد تا به اعطای قرض‌الحسنه به آمریکا بپردازند. امید است که خداوند پاداش این قرض‌الحسنه را به نحو احسن به ما برگرداند!

آنچه در بالا بیان شد، به هیچ وجه به آن معنی نیست که بانک مرکزی نباید با التهابات مقطعی در بازار ارز مقابله کند. مثلاً در شرایطی که امکان تغییر وضعیت تحریم‌ها

آنگاه، رفتار عقلانی فردی آنها حکم می‌کند اقدام به خرید و نگهداری ارز برای کسب سود از افزایش قیمت آتی آن کنند. این موضوع سبب سرازیر شدن منابع قابل توجهی به سمت بازار ارز می‌شود (با توجه به شرایط کنونی که موسسات مالی و بانک‌های غیردولتی در اقتصاد با اهمیت شده‌اند حتی منابع این بانک‌ها و موسسات نیز می‌تواند به سمت بازار ارز جریان یابد و تلاطم‌های بازار ارز را تشدید کند).

از آنجا که نظام بانکی و مالی کشور در بازارهای جهانی ادغام نشده است؛ بنابراین امکان استفاده از بسیاری ابزارهای مالی ارزی برای فعالان اقتصادی کشور و به‌ویژه افراد معمولی وجود ندارد، بخش عمده ارز نگهداری شده با انگیزه فوق به شکل وجه نقد است (حتی اگر به شکل سپرده‌های ارزی دیداری در بانک‌های خارجی هم نگهداری شود ماهیتاً تفاوتی با وجه نقد ندارد). اما نگهداری ارز خارجی به شکل نقد و آن هم عمدتاً به شکل دلار به آن معنی است که دارنده ارز در نهایت معادل ارز نگهداری شده از دولت آمریکا طلبکار است.

دلیل این موضوع آن است که پول‌های امروزه نوعی سند بدهی بانک ناشر اسکناس یا بانک مرکزی کشور مورد نظر هستند و مانند سفته بدون بهره‌ای است که بانک مرکزی آن کشور منتشر کرده و نزد اشخاص نگهداری می‌شود. اما این به آن معنی است که دلار نگهداری شده در دست اشخاص ایرانی و به‌طور مشخص زمانی که به شکل وجه نقد است بیانگر طلب اشخاص ایرانی است و نوعی قرض دادن به دولت ایالات متحده آمریکا. همچنین، با توجه به اینکه به این دلار نگهداری شده (قرض مردم ایران به دولت

